

ها هستند که نسبت بخود رئیس دولت اظهار عدم اعتماد کرده اند ولی رئیس دولت چون اکثریت نسبت باو اظهار اعتماد کرده نباید ترتیب اثر بقایید اشخاص انفرادی که در اقلیت هستند بدهد عقیده اکثریت همیشه نافذ است در صورتی هم که این مطلب صحت داشته باشد و کسی که دارای نفوذی در هیئت دولت برخلاف اکثریت باشد در مجلس نباشد .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - آقای ملک الشعراء در ضمن بیاناتشان اظهار کردند ممکن است بعضی از افراد مستقل نمایندگان نظریاتی نسبت بافراد کابینه داشته باشند و با این وسیله تشکیل کابینه بتعویق افتاده باشد . بنده چون در این مفهوم کلی شریک هستم یعنی مستقل و در اقلیت هستم و ممکن است فرمایش ایشان شامل حال بنده هم باشد این است توضیحاً عرض می کنم - از موقعی که کابینه آقای قوام السلطنه سقوط پیدا کرده و دو مرتبه باین مقام معین شده اند تاالسا به بنده بهیچ وجه ایشان را ملاقات نکرده ام و بواسطه یابلا واسطه بیگامی ایشان راجع باین قضایا نداده ام و چنانچه در جلسه خصوصی از نقطه نظر آزادی عقیده عرض کردم با ریاست وزارت آقای قوام السلطنه مخالف هستم . الان هم بعقیده خود باقی هستم و البته رأی اکثریت قاطع است و با این ترتیب تصدیق خواهید فرمود که هیچ منطقی نخواهد داشت بنده دخالت بکنم که فلانکس وزیر بشود یا نشود . محض رفع سوء تفاهم که بنده جزو آن اشخاص نیستم لازم دانستم این چند کلمه را عرض کنم

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - همان قسم که آقای تدین فرمودند . بنده هم بنوبه خود عرض می کنم که آقای ملک الشعراء در ضمن نطق خودشان نسبت بافراد مستقل یک اظهاری فرمودند و بنده هم یکی از آن افراد مستقل هستم و بعد از آنکه اکثریت مجلس یعنی هیئت متحده اظهار اعتماد با آقای قوام السلطنه کردند بنده هم موافقت کردم . مهلتاً بعد از اینکه نسبت باایشان اظهار موافقت شده هیچ وقت ایشان را ملاقات نکرده ام و مکاتبه با ایشان نموده ام . و در انتخاب اعضاء کابینه هم شریک و نظریه نداشته ام این نکته را هم لازم می دانم عرض کنم . که در روزنامه نوشته بود افراد مستقل مجلس فراکسیون نی نام فراکسیون مستقلیون تشکیل داده اند و یک اسامی را هم نوشته بودند . در صورتی که همچو چیزی نیست و اشتباه بوده است هر کدام منفرد هستند و داخل در هیچ جمعیتی نیستند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه نطق)

سلیمان میرزا - چنانچه آقایان

برای رفع سوء تفاهم چند کلمه اظهار فرمودند بنده هم نظربند کر لغت اقلیت برای اینکه تصور نشود بنده و رفقا هستیم می خواستیم توضیحی بدهم . در صورتی که یقین هم داریم گویندگان این لغت یا آقای ملک الشعراء آقای حاج شیخ اسدالله مقصودشان اقلیت اصطلاحی مجلس که بنده و رفقا هستیم نبوده . . .

ملک الشعراء - بنده اقلیت نگفتم دستجات عرض کردم . . .

سلیمان میرزا - آقای ملک الشعراء همانطور که می فرمایند مقصودشان دستجات بوده است و آقای حاج شیخ اسدالله هم اگر ذکری از اقلیت کردند مقصودشان دسته اقلیت اصطلاحی یعنی بنده و رفقای بنده نبوده و مقصودشان این بود که یک نفر در مقابل اکثریت اقلیت است . بنده هم برای رفع سوء تفاهم عرض کردم همانطور که علی علیه السلام فرموده اند لا رأی الا و حمار رأی وهم چنین مطابق قانون مشروطه اقلیت هیچوقت کاندید نخواهد داشت بنابراین ما کاندید نداریم و منتظر اعمال هستیم اگر اعمال خوب باشد البته موافقیم و اگر بد باشد البته مخالفیم اینست که برای اینکه سوء تفاهم نشود بنده توضیح دادم و از آنروز تا بحال نه از طرف بنده و نه رفقای بنده با آقای قوام السلطنه ملاقاتی شده است و نه از طرف ایشان صحبتی شده است و نه ما کاندیدائی داریم

رئیس - آقای نصر الدوله (اجازه)

نصر الدوله - بنده باین مذاکرات موافق نبودم و اصلاً اساس این اظهارات را در مجلس از نقطه نظر اینکه مخالف اصول مشروطیت و اصول حکومت شوروی است مناسب نمی دانم ولی چون مذاکراتی شد و افراد مستقل و منفرد عقاید خود را اظهار داشتند بنده هم که یک نفر مستقل هستم و فکر خودم را آزادمی دانم . ناچارم عقیده خودم را در این قضیه عرض کنم بنده در مجلس خصوصی عرض کردم حالاً هم عرض میکنم من یکی از موافقین آقای قوام السلطنه هستم در همان موقعی که رأی اعتماد خودم را نسبت باایشان دادم گفتم و الان هم تکرار می کنم که اساس مسئولیت بنا بر اصول حکومت شوروی و قوانین مشروطیت برعهده اکثریت است نه برعهده افراد مستقل یا اقلیت متنفذ یا اقلیت ثابت و از همین نقطه نظر است که تمام بار گران مسئولیت حکومت و بیس آمد مردم این سرزمین برعهده حکومتی است که تشکیل می شود از نقطه قوه مجریه و برعهده و للاً و آقایان است که در مجلس شورای ملی مسائل را تصویب می کنند بهمین مناسبت بنده تصور می کنم در هیچیک از قسمت های راجعه به حکومت افراد حق هیچگونه مداخله ندارند و گمان نمی کنم کسی مخالف این عقیده باشد چون وقتی رأی اعتماد بیک رئیس الوزرا داده می شود آن رئیس الوزرا

معتد مجلس هر کس را اصلاح بدانند یعنی هر کس را مناسب بدانند بسمت عضویت کابینه خودش معین می کند و بعد او را بمجلس معرفی می نماید ولی البته چنانچه در همه جای دنیا هم معمول است رئیس الوزرا مملکت وقتی بخواد وزراء خودش انتخاب کند نظری بموافقین و مخالفین اشخاصی که انتخاب می کند می نماید و بر روی آن زمینه رفقا و همکاران خودش را انتخاب می کند بنده از طرف خودم عرض می کنم من حق ندارم در کار ایشان مداخله کنم و مداخله هم نکرده ام و البته رئیس الوزرا باید یا اختیار صرف و آزادی هر چه تمامتر موافقها و مخالفها را سبک سنگین کند و در روی آن زمینه وزراء را انتخاب نماید و بنده و سایر آقایانی که بر رئیس الوزرا رأی اعتماد داده اند نسبت بکابینه ایشان یعنی وزرائی که انتخاب می کند بهمان اعتماد باقی خواهیم بود

رئیس - گمان می کنم اگر سوء تفاهمی هم بوده است این مذاکرات برای رفع آن سوء تفاهم کافی باشد اگر هیئت متحده هم در این موضوع توضیحی می - خواهند ممکن است یک نفر را بفرستند از آقای رئیس الوزرا توضیح بخواهند (صحیح است)

جلسه آینه روز شنبه ۴ ساعت بظهور ماند دستور اولاً لایحه مالیاتی آنروزه و کتیراً و ثانیاً لایحه راجع بمنع بره کشی در اینباب مخالفی نیست (گفته شد خیر)

(مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه صد و پنجم صورت مشروح مجلس صبح یوم شنبه بیستم شوال هزار و سیصد و چهل مطابق بیست و هفتم جوزا هزار و سیصد و یک

مجلس دو ساعت و نیم بظهور مانده بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید .

صورت مجلس پنجشنبه ۲۵ جوزا را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - آنجا که نوشته است نماینده ما معترض شده اند صحیح نیست و باید معترض نوشته شود .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - راجع بقرارداد پستی در جلسه قبل مختصر عرض کردم مورد توجه نشد ولی در صورت مجلس هم اشاره بآن نشده و حال آنکه در نظر بنده مهم بود بنده عرض کرده اعطای مشروطیت

ایران و قرارداد پستی در یک سال واقع شده در سنه ۱۹۰۶ میلادی واقع شده اعطای مشروطیت هم در اوایل اوت که هفتمین ماه فرنگی است بود ولی قرارداد پستی رم معلوم نیست در چه ماه بوده است و از آقای مخبر توضیح خواستیم آیا تحقیق فرموده اند که قرارداد پستی در شش ماه اول آن سال بود یا در شش ماه ثانی چه اگر در شش ماه اول بوده است شاید ترتیبات دیگری داشته باشد ولی اگر در ۶ ماه دوم بوده است البته باید اول قرارداد رم در مجلس بیاید و از مجلس بگذرد بعد آن قرارداد فرعی بیاید و آقای مخبر جوابی که قانع کننده باشد نفرمودند .

اولاً فرمودند تاریخ را نمی دانم در حالتی که تاریخ ندانستن ایشان دخلی به مطلب ندارد .

ثانیاً فرمودند قرارداد پستی رم برای

ایران نافع بوده است البته تصدیق میفرمائید هر قراردادی که بنظر ایشان نافع بحال ایران می آید نباید اجرا شود مگر بعد از آمدن در مجلس و گذشتن اصل آن . مطلب سوم که فرمودند این بود که منافات ندارد که قرارداد فرعی قبل از قرارداد اصلی بگذرد و حال آنکه خیلی منافات دارد زیرا یک اطاق نساخته را کسی آئینه کاری نمیکند .

نایب رئیس - لابد بنوعی اشاره باید اشاره کنند آقای تدین (اجازه)

تدین - در صورت مجلس نوشته شده بنده و آقای ارباب کیخسرو و شاهزاده نصرت الدوله اظهار کرده ایم که نسبت به افراد کابینه وزراء نظری نداشته ایم البته همین طور است و بنده نظری نداشتم ولی یک تفرقی بین فرمایش بنده و فرمایش آقایان بود که بعقیده بنده خیلی مهم است و در صورت مجلس هم تصریح شده و آن این است که آقایان با رئیس دولت موافقت کردند و گفتند با رئیس دولت موافقیم معذالك دخالت در تعیین وزراء نداریم و این دلیلی آقایان بود ولی دلیل بنده این بود که عرض کردم چون بنده اصولاً با رئیس دولت مخالف بوده هستم لذا منطقی نیست هیچ دخالتی در تعیین اعضاء دولت داشته باشیم و در صورت مجلس هر سه نظر را در یک عبارت گنجانیده اند خواهش دارم اصلاح شود .

نایب رئیس - موافقت آنها را هم ذکر نکرده اند آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - جواب آقای شیخ الاسلام را در شور دوم خواهم داد

نایب رئیس - صورت مجلس باین اصلاحات تصویب شد آقای کازرونی در صورت مجلس حرفی دارید؟

کازرونی - خیر عرضی ندارم
 نایب رئیس - دستور دوقره راپورت
 کمیسیون قوانین مالیه است یکی راجع به
 مالیات کتیرا و آنقوزه و دیگری راجع به
 منع بره کشی ولی قبلا سه فقره راپورت
 کمیسیون مرخصی راجع بمرخصی آقایان
 سردار جنگ و محقق العلماء و رکن الملک
 رسیده است قرائت می شود رأی می گیریم
 بعد وارد دستور می شویم يك فقره راجع به
 تقاضای مرخصی یکماهه آقای سردار جنگ
 است که برای مشرف شدن بآستان حضرت
 ثامن الائمه علیه السلام نموده اند کمیسیونهم
 تصویب کرده حالا اگر آقایان هم با آن
 اجازه موافقت قیام فرمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)
 (بعضی گفتند رد شد)

نایب رئیس - رأی گرفته نشد آقای
 سلیمان میرزا
 (اجازه)

سلیمان میرزا - چنانچه در اجازه نامه
 هائی که قبلا مطرح شده بود متذکر
 شدم باز هم یادآوری می کنم و از امروز
 تا هر وقتی که در مجلس باشم این مسئله
 را تکرار میکنم .

مرخصی بهر يك از آقایان نمایندگان
 داده می شود بایستی از تاریخ تصویب محسوب
 شود و هر کس هم باشد نباید حقوق بگیرد
 زیرا اگر از تاریخ تصویب محسوب نشود
 بالاخره روزی خواهد رسید که ده بایست
 نفر ازو کلا اجازه نامه در جیبشان است و
 یکدفعه بموقع اجرا می گذارند و مجلس
 از اکثریت خواهد افتاد و این مسئله یکی
 از بزرگترین معایب این اجازه نامه هست
 است که تاریخ اجرائش معلوم نیست ولی
 اگر تاریخ اجرائش معلوم باشد کمیسیون
 عرایض و مرخصی وقتی بخواهد رأی بدهد
 می گوید من دوسه نفر را فقط مرخصی داده ام
 و چندان اهمیت ندارد و در نتیجه مجلس
 از اکثریت نمی افتد اما امروز که نمایانم
 چند اجازه نامه داده شده و از چه تاریخ
 صاحبان اجازه حرکت کرده و خواهند کرد
 و اگر یکمرتبه حرکت کنند اسباب زحمت
 خواهد شد .

بنده عقیده خودم را عرض کردم دیگر
 بسته بنظر کمیسیون و مجلس است ولی
 بنده مخالفم و در هر موقع هم این طور
 راپورتها از کمیسیون بیاید مخالف خواهم
 بود حالا بمقیده بنده اگر آقایان موافق
 باشند خوب است مخبر کمیسیون استرداد
 تمام این راپورتها را بکمیسیون بخواهد و
 این شرط را در آن قید کند اقلا اگر
 پس از یک هفته از تاریخ تصویب آن شخص
 نرفت آن مدت جزء ایام مرخصی محسوب
 شده آن وقت بنده هم موافق شده و رأی
 خواهم داد .

حاج میرزا مرتضی - مخبر کمیسیون

حضور مبارک آقایان عرض میکنم مرخصی
 که از اول مجلس تا بحال کمیسیون داده
 و اجازه را از روز حرکت قرار گذارد
 چون کمیسیون عده نمایندگان راهمیشه در
 نظردارد و اینقدر اجازه نمیدهد که مجلس
 از اکثریت بیفتد .

اما راجع بگرفتن حقوق که فرمودند
 این مسئله بر خلاف نظامنامه است زیرا
 نظامنامه داخلی اجازه می دهد با داشتن
 حقوق آقایان نمایندگان بمرخصی بروند
 و در ظرف دو ماه یا سه ماه کاریکه دارند
 صورت داده و هودت کنند و این مسئله در
 تمام دوائر دولتی معمول است و يك مأموری
 را که مرخصی می دهند با استفاده از حقوق
 است مجلس هم مطابق نظامنامه داخلی
 است که بعضی از آقایان اجازه می دهد
 و این اجازه يك دو ماهه آنها هم با استفاده
 از حقوق خواهد بود .

اما راجع باینکه این راپورتها
 برگردد بکمیسیون و اصلاح شود چون
 آقایان نمایندگان آذر بایجان هم نیامده
 اند اگر اکثریت مجلس اجازه بدهد این
 راپورتها بکمیسیون استرداد شود
 نایب رئیس - شما مخبرین باید
 تقاضا کنید .

مخبر - بنده می پذیرم
 نایب رئیس - وارد دستور میشویم
 لایحه منع بره کشی و صدور پوست بره
 مطرح است .

(بعضی از نمایندگان اظهار نمودند
 اول راجع بکتیرا باید مذاکره شود
 نایب رئیس - فرق نمیکند زیرا
 بطوریکه عرض کردم دوقره راپورت است
 یکی راجع بمالیات کتیرا و آنقوزه و دیگری
 راجع بمنع بره کشی و صدور پوست است
 حالا که میفرمایند اول راجع بمالیات کتیرا
 و آنقوزه مطرح می شود .

(ماده اول راپورت کمیسیون قوانین مالیه
 بمضمون ذیل قرائت شد)

مالیات کتیرا صدی بیست قیمت آن
 است بنرخ محل استخراج که مأمورین
 گمرکی در حین صدور از سرحد اخذ و
 دریافت مینمایند .

نایب رئیس - مذاکره در کلیات است
 آقای حاج میرزا مرتضی
 (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده با گرفتن
 گمرک از کتیرا مخالفم
 (بعضی گفتند مالیات است نه گمرک)

حاج میرزا مرتضی - مالیات یا گمرک
 فرق نمیکند فرض این است ما چیزی که
 بعنوان گمرک یا مالیات گرفته می شود از
 دو نقطه نظر بنده مخالفم یکی این است
 که ما باید اتمه داخلی مملکت خودمان
 را حتی الامکان برای اخراج بسایر ممالک
 مرتب کنیم و برعکس جلوگیری از واردات

مملکت بکنیم یعنی بهر قسم که ممکن است
 صادرات خود را خارج کرده و از واردات
 جلوگیری کنیم و این مالیاتی که بر کتیرا
 وضع می شود بکلی باین مختصر تجارتي
 که بخارجه می رود سکنه وارد می آورد و
 با این ترتیب که در لایحه نوشته شده که
 صدی بیست از کتیرا مالیات گرفته شود
 بکلی این مختصر تجارت را از بین میبرد
 و مسئله کتیرا هم مثل یکی از محصولات
 عادی نیست که با سهولت و آسانی بشود
 او را گرفت بلکه گرفتن کتیرا خیلی زحمت
 دارد و در نقاط و کوههائی واقع شده است
 که هیچ آب ندارد و اشخاصی که این
 کتیرا را باید بگیرند اشخاص معدودی
 هستند که در کوهها بزرگ شده و خیلی بی
 بضاعت هستند و چندین روز باید باین کوهها
 رفته در نهایت سختی و عسرت این کتیرا
 را بگیرند .

آ وقت با این حال اگر دولت ببناید
 و مالیاتی بر آن وضع کند البته تجاری هم
 که این کتیرا را می خرند این مالیات را
 از جیب خود نخواهد داد و از قیمت خود
 کتیرا کم می کنند و این سبب میشود که
 کسی دنبال گرفتن کتیرا نمی رود و يك
 صادرات مهمی از میان می رود

بنا بر این در این باب آقایان پیشنهادی
 کرده اند که بنده هم آنرا امضاء کرده ام
 ولی با این حال آنچه را آقایان رأی بدهند
 البته مطاع است .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو
 مخالفید؟

ارباب کیخسرو - بلی مخالفم
 نایب رئیس - آقای عماد السلطنه
 مخالفید؟

عماد السلطنه طباطبائی - بلی
 نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم
 میرزا هم مخالفند؟

محمد هاشم میرزا - بلی بنده هم
 مخالفم .

نایب رئیس - آقای سدید الملک
 چگونه؟

سدید الملک - بنده هم مخالفم
 نایب رئیس - آقای حاج میرزا علی
 محمد دولت آبادی

حاج میرزا علی محمد دولت
 آبادی - بنده هم مخالفم

نایب رئیس - آقای اقبال السلطان
 چگونه؟

اقبال السلطان - بنده موافقم
 نایب رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - آقای حاج میرزا
 مرتضی راجع باخذ حقوق از کتیرا بعنوان
 مالیات یا گمرک بطور تردید يك مذاکراتی
 فرمودند و اظهار
 مخالفت کردند اولاً باید فهمید مغزاج این
 مملکت را عکس باید بدهد مغزاج مملکت

بعده مات است و رها یا باید بدهند آقایان
 اعضاء کمیسیون بودجه با اینکه خیلی زحمت
 کشیده اند که در دخل و خرج مملکت توازن
 و تعادل حاصل شود موفق نشده اند و باز
 مبلغی کسر دارند که نمیدانیم این کسر بودجه
 از کجا باید پیدا کرد از کدام محل باید
 جبران نمود ؟

با این حال آیا اصلاح می دانید مالیاتی
 که تاکنون معمول بوده گرفته نشود ؟

مالیات کتیرا يك چیزی نیست که تازه
 او را وضع میکنم بلکه چیزی است که از
 مدت مدیدی معمول و در همه ولایات می
 گرفته اند مطابق صورتیکه کمیسیون از
 وزارت مالیه خواسته اند و فرستاده اند نوشته اند
 که در تمام ولایات از بابت کتیرا چقدر وصول
 شده منتهی ترتیب وصول کتیرا در ولایات
 در هر جائی بشکل مخصوصی بوده که در

نتیجه اسباب زحمت برای صاحبان کتیرا
 می شد مثلا از یکجائی منی دوقران از يك
 جای دیگر منی سی شاهی و از جای دیگر
 منی يك قران گرفته میشد یا بعضی جاها
 از همین جنس گرفته می شود آن عایداتی
 را هم که وصول می کردند بطور کافی جمع
 آوردی نمی شد و مطابق صورتیکه از وزارت
 مالیه بکمیسیون قوانین مالیه فرستاده شده

است همه معلوم میشود که در سه سال اخیر
 سالی قریب به هفتصد هزار تومان بلکه
 متجاوز کتیرا از مملکت خارج شده و
 مأمورین مالیه در هر کجا صد سی را گرفته اند
 که اگر درست حساب بشود باید از این
 هفتصد هزار تومان از قرار صد سی دوست و

ده هزار تومان عایدات دولت شده باشد
 و حال آنکه چیزیکه بحساب مالیه آمده
 فقط هفت هزار تومان بوده است برای

ایشکه از این تفریط کاری جلوگیری بعمل
 آمده باشد عقیده مان این شد این مالیاتی
 را که از کتیرا میگردند از فرار صد بیست
 در سرحد بگیرند که هم منتظم تر و کم خرج تر

وصول شود و هر که کمتر گرفته شود وهم از
 آن بی ترتیبی جلوگیری شده باشد بعضی
 از آقایان اظهار می کنند بر صادرات گمرک
 معمولاً بر آن صادراتی نباید گمرک بست
 که ملت بآن احتیاج داشته باشد (بعضی
 گفتند مطلب برعکس است)

اقبال السلطان - بلی بیخوشید اشتباه
 شد مال التجارهائی را که ملت و مملکت
 باو احتیاج دارند بر او مالیات سنگین وضع
 می کنند که خارج نشود ولی بچیزهائی که
 ملت احتیاج ندارد گمرک وضع نمی کنند
 کتیرا امروز در مملکت ما چندان احتیاج
 ندارد که ما محتاج باو باشیم پس باید
 بخارجه برود و از حقوقش هم کسر بشود
 هیچ کار این است که ما محتاج بمایدات
 هستیم و باید کسر مغزاج خود را از هر کجا
 باشد پیدا و جبران کنیم اگر هم از این محل

نباشد شما بالاخره حتماً مجبور خواهید شد مالیات دیگری وضع کنید. حالا که اینطور است شما چرا سبب می شوید يك مالیاتی را که در مملکت معمول بوده و سابقه داشته در شود و گرفته نشود آنوقت در عوض مجبور شوید مالیات جدیدی وضع کنید. بنابراین بعقیده بنده خوب است آقایان این مالیات را تصویب فرمایند و کمان میکنم، ضرری هم نخواهد داشت.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده آن قسمی که در جلسه گذشته راجع به مالیاتها عرض کردم هر مالیاتی که پیشنهاد شده تا موضوع آن را درست تفهیم و مصرف آن را ندانم و میزان جمع و خرجش را درست ملتفت نشوم بنده یکی از مخالفین آن خواهم بود. حالا همین قدر عرض می کنم نسبت به مالیاتی که بر صادرات مملکت وضع می شود بنده مخالفم در وضع مالیات نسبت به صادرات ما چه می خواهیم بکنیم یعنی معتقد به تجارت نیستیم ؟ ؟

اگر خودمان ملتفت این کار هستیم نباید مبادرت بآن نماییم و اگر هم ملتفت نیستیم افلا از مالک خارج تحقیق کنیم و به نیم آنها نسبت به صادرات خودشان چه می کنند اگر چه متأسفانه در موضوع مالیاتی یکی از آقایان نمایندگان (شاید مقتضی نباشد اسم ببرم) در اینجا گفت و این قسم تغییر کرده که من اهمیت به تجارت نمی دهم و اهمیت به صنعت می دهم ولی بنده عرض می کنم اگر آقایان تجارت اهمیت ندهند بنده هم ندهم دنیا داده است زیرا اقارار ما در نظر ما اهمیت دارد نه در نظر دنیا تمام جنگهای دنیا وجدالها برای تجارت است در اینصورت ما منظور در فضای این مجلس می توانیم بگوییم به تجارت اهمیت نمی دهیم ؟ گمان می کنم این اظهارات در اینجا صلاح نباشد مملکت ما چه دارد يك مالی دارد که آن بلا را سرش میآوریم يك کتیرا دارد که می خواهیم این بلا را بر سرش در آوریم استعدا دارم اگر آقایان چیز دیگری سراغ دارند که از این مملکت صادر می شود ممکن است يك قدری هلاکت اقتصادی ما را تغذیه دهد خوب است نشان دهند آقایان می گویند اسمش را گمرک نگذارید فرق نمی کند اسمش را هر چه می خواهند بگذارید در هر حال این چیزی که گرفته می شود و شرحی که وزارت مالیه بمجلس نوشته و پیشنهاد داده است خوب است آقایان قدری توجه فرمایند در قسمه ثانی آن پیشنهاد يك قسمت های خاصی را متذکر شده است تا اینجا به چه در داخله مملکت مصرفی نداشته و نه فقط مقتضی نیست که در داخله هیچگونه تعمیلی بر این مواد وارد نباید بلکه باید بوسیله ممکنه

اسباب تشویق کسانی که استخراج و معامله داد و ستد این مواد را نمایند فراهم نموده از این عبارات کاملاً معلوم است که افراد بظلم خود کرده اند و ما از همه صرف نظر می کنیم و از عمل که پای برهنه و لغت در آفتاب میان خاراها میروند و کتیرا را تیغ میزند و از آن عایدی برای خود و هائله خود تحصیل می کنند می خواهیم مالیات بگیریم ؟ ذهی انصاف و عدالت بعد میباید جرح و تعدیل می کنند و می گویند از ناچسب می گیریم باز معنی چه ؟ یعنی به تجارت اهمیت نمی دهم در قالی ها خود وزارت مالیه در پیشنهاد خود تصدیق می کند که نباید هیچ گونه تعمیلی بر آن وارد نمود با اینکه وزارت مالیه يك همچو تصدیق صریحی را می کند باز می خواهیم مالیات بر صادرات وضع کنیم چیز غربی است ؟ اینجا مذاکره می شود کتیرا در داخله مملکت مصرف ندارد بنده عرض می کنم مصرف برای کارخانجات ندارد ولیکن آنانکه مستحضرنه می دانند مصرف داخلی خیلی دارد در آن قسمتهای مملکت که صابون نیست کتیرا بجای صابون بکار میروند چنانکه قبل از آنکه کتیرا حمل بخارچه شود همین کار را می کردند و کتیرا مصرف داخلی داشت از کرمان که بنده اطلاع دارم از زمان حکومت فرمانفرما توسط سردار معتقد کتیرا شروع بعمل شدن بخارچه شد و وقتی دیدند این مال التجاره ممکن است در خارجه بفروش برسد شروع به توسعه آن کردند توسعه آن در چه صورت است ؟ در صورتی است که حمل انواع آن آزاد باشد چون کایرا برود قسم است کتیرای نازک علاوه کتیرای کلوخه که فایده بیرون آوردن آن فقط باندازه ایست که عمل زحمت کشیده و بهمان اندازه عایدی جزئی نصیب او شود همان طور که آقای حاج میرزا مرتضی اظهار کردند اگر گمرکی بر آن بسته شود تازه یکی از آن دوشق می شود با آنکه باید فشار بیآورند و از عمل ارزان بخرد یا اینکه بر قیمت بیفزاید و از رواج بازار بیفتد و در هر صورت این ضرر متوجه می شود آقای اقبال السلطان می فرمایند پس دولت چه باید بکند ؟ اگر این مالیات را وضع نکنند باید يك مالیات دیگر وضع کنند البته اگر لازم باشد نه یکی نه دوتا نه سه تاهر قدر لازم باشد وضع مالیات می کنیم و متحمل خرج مملکت می شویم تا استقلال مملکت همه وسائل تأمین و امنیت و آسایش ملت فراهم آمد پس این مسئله غیر از آن است این جا خلط معیبه می شود این صادرات مملکت است تجارت باید آزاد باشد

متابع ما بخارچه برود در مقابل برای ما طلا بیآورد اگر هم فرضاً طلائی آورد افلا از این اسباب های تجلی که بایران می آید و از این فلاکت اقتصادی ما قدری ما را جلو گیری کند

خود آقای اقبال السلطان در این جا تشریح کردند و میزان گرفتند که در سال

هفتصد هزار تومان کتیرا بخارچه میروند این هفتصد هزار تومان پولی است که از دست رنج آن رعیت بدبخت که این کتیرا را گرفته حاصل شده است والا دولت چه کرده کردند گرفته می شد البته یکی از شرایط اهالی و رعایای بیچاره می گیرند اگر هم بخواهند مالیات بر اراضی وضع کنند اگر کتیرا در اراضی شخصی رعیت واقع شده که او مالیات علیحده می دهد و دولت حق ندارد يك مالیاتی بر او تحمیل کند و اگر هم در کوهستان است که دولت آب و خاک ندارد و خرجی نکرده است که از او می خواهد حق بگیرد بنده عرض می کنم ما حتی الامکان باید وسایل تشویق عمومی را فراهم آوریم باید برعایا بگوییم هر چه می خواهید استخراج کنید و هر متاعی را که می توانید از مملکت صادر کرده بخارچه بفرستد آنروز هم در موضوع قالی عرض بنده عرض می کنم مصرف برای کارخانجات ندارد ولیکن آنانکه مستحضرنه می دانند مصرف داخلی خیلی دارد در آن قسمتهای مملکت که صابون نیست کتیرا بجای صابون بکار میروند چنانکه قبل از آنکه کتیرا حمل بخارچه شود همین کار را می کردند و کتیرا مصرف داخلی داشت از کرمان که بنده اطلاع دارم از زمان حکومت فرمانفرما توسط سردار معتقد کتیرا شروع بعمل شدن بخارچه شد و وقتی دیدند این مال التجاره ممکن است در خارجه بفروش برسد شروع به توسعه آن کردند توسعه آن در چه صورت است ؟ در صورتی است که حمل انواع آن آزاد باشد چون کایرا برود قسم است کتیرای کلوخه که فایده بیرون آوردن آن فقط باندازه ایست که عمل زحمت کشیده و بهمان اندازه عایدی جزئی نصیب او شود همان طور که آقای حاج میرزا مرتضی اظهار کردند اگر گمرکی بر آن بسته شود تازه یکی از آن دوشق می شود با آنکه باید فشار بیآورند و از عمل ارزان بخرد یا اینکه بر قیمت بیفزاید و از رواج بازار بیفتد و در هر صورت این ضرر متوجه می شود آقای اقبال السلطان می فرمایند پس دولت چه باید بکند ؟ اگر این مالیات را وضع نکنند باید يك مالیات دیگر وضع کنند البته اگر لازم باشد نه یکی نه دوتا نه سه تاهر قدر لازم باشد وضع مالیات می کنیم و متحمل خرج مملکت می شویم تا استقلال مملکت همه وسائل تأمین و امنیت و آسایش ملت فراهم آمد پس این مسئله غیر از آن است این جا خلط معیبه می شود این صادرات مملکت است تجارت باید آزاد باشد

متابع ما بخارچه برود در مقابل برای ما طلا بیآورد اگر هم فرضاً طلائی آورد افلا از این اسباب های تجلی که بایران می آید و از این فلاکت اقتصادی ما قدری ما را جلو گیری کند

خود آقای اقبال السلطان در این جا تشریح کردند و میزان گرفتند که در سال

(اجازه)

عبدالسلطنه طباطبائی - دلایل مخالفت بنده زیاد است ولی چون غالب آقایان ما بنده هم عقیده اند و خود آقای مغربو بعضی اعضای کمیسیون همین عقیده بنده را دارند باین جهت بنده دلایل خود را حالا عرض می کنم يك پیشنهادی کرده ام استعدا می کنم مقرر فرمایند آن پیشنهاد قرائت شود که بیش از این وقت مجلس بیهوده تلف نشود آنوقت اگر پیشنهاد بنده رد شد سایر مخالفین عقاید خودشانرا اظهار میکنند

محمد هاشم میرزا - مذاکرات کافی است

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید ؟

آقا سید یعقوب - بلی بنده موافقم

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده خاطر آقایان نمایندگان را توجه می دهم که این قدر بر ضد وضع مالیات نباشند هر مالیاتی که در مجلس عنوان می شود (از طرف نمایندگان اینطور نیست) آقای سید یعقوب - (خطاب به اجازه بخواهید و حرف بزید در موقعی که من مشغول حرف زدن هستم حق ندارید بن حمله کنید و بنده هم از این چیزها در نمی روم و ادله خودم را هم با تمام قوت قلب عرض خواهم کرد آقایان دولت مخارج دارد قشون دارد ادارات دارد قشون ما در تمام فرونتها مشغول جنگ است ما انتظامات و امنیت می خواهیم وقتی که صحبت معارف در مجلس بمان می آید تمام ارواح متوجه می شود و اظهار دلتنگی می نماید که چرا معارف ما از معارف امریکا بهتر نشود صحبت عدلیه می شود می گویند چرا افضاحقوق می گیرند نباید معامالت معانجان باشد گفتگوی راه که بمان می آید می گویند دولت راه را درست کند ولی پول از مردم نکیرد . من نمی دانم کدامیک از ماها خیال کرده ایم که يك گنجی کیر دولت مشروطه آمده است که این مخارج را دولت از آن گنج بنماید و مالیات نکیرد هر وقت صحبت مالیات می شود آقایان اظهار می کنند ما مخالفیم و می گویند ای وای ضعف و فقر و رنجیر بنده عرض می کنم اگر ما این مالیات را وضع نکنیم برای مرتب کردن و تکرار انداختن ادارات خودمان مجبوریم دست گذاشتن پیش اجانب برده و رقت ابدی حاصل کنیم خوب است به کمیسیون بودجه تشریف برده و کسر بودجه را ملاحظه فرمایند و فکر کنند این کسر بودجه را از چه راه باید بگردانند و تصفیة کرد اما آمدیم برسرس جواب فرمایشات و اظهارات فلسفی که آقای ارباب

کیخسرو فرمودند همانطور که آقای مغربو بیان فرمودند این وضع مالیات نیست و دولت پیشنهاد وضع مالیات جدیدی نکرده است که مخالف عقیده ما باشد بلکه این مالیاتی بوده است که دولت سابقاً هم گرفته منتهی بطوری بود که حیف و میل میشد و بسبب دولت و مصرف عمومی نمیرسید

این است که حالا دولت لایحه پیشنهاد کرده مبنی بر اینکه مالیاتی که من غیر حق خرج می کشد باید ترتیبی داده شود که در نتیجه مطابق صرفه و صلاح دولت و عموم بوده و بمصرف عمومی برسد نه اینکه به جیب امانی مالیه رفته و از بین برود و این مالیاتی که سابقاً صدها زر عایای بدبخت فقیر گرفته می شده هیچ معلوم نبود چه مصرف میرسد و بسبب کمی می رود حالا مجلس آمده و می خواهد اولاً آن مالیات را کسر کرده و بمالوه قرار صحیحی در وضع نقد و خرج و مصرف او بدهد پس این وضع مالیات محسوب نمی شود بلکه مجلس می خواهد قرار صحیحی در وضع و مصرف آن بدهد . اما این که آقای ارباب فرمودند چرا بر این تجملات که از خارج وارد می شود مالیات سنگین وضع نمی کنند این تجملات کاذب ایران وارد می شود دو طرف دارد یکی ما دیگری طرف ما است بنده خیلی میل دارم که مالیات بر چیزهای تجلی وضع کنند ولی از ما قبول نمی کنند

از طرف نمایندگان همه - چه طور قبول نمی کنند

آقا سید یعقوب - اگر قرار داد گمرکی را ملاحظه کنید خواهید دید که گمرک دو طرف دارد .

فرمایند و به بیند چه طور باید اداره شود تهور سیاسی داشته باشد به تعریف و تحسین مردم نظری نداشته باشد و اعتراف کنید که فلان هوچی در باب شما چه گفته است اما فرمودید دولت درباره کتیرا چه کرده ؟

مگر دولت باید برای کتیرا قنات احداث کند ؟

آقا ملت ازدولت امنیت مالی و جانی می خواهد و دولت مالیات باید بگیرد که ملت را جانیاً ملاحظه کند و باید حافظ عموم باشد وقتی که دولت امنیت عمومی را تأمین کرد آنوقت ملت هم باید صحبت تجارت و فلاحت و صنعت شود و برود و کارها را دولت نباید است ممین کند دولت نباید برای هر شغل بخصوص مسلم ملت شود زیرا بتصدیق تمام دانایان و سیاسیون دولت باید امنیت مالی و جانی را تأمین کند و ملت هم باید مالیات بدهد تا جانی و مال او محفوظ و مصون باشد .

ما هم باید این نقطه نظر را داشته باشیم و غیر از این چیز دیگری از دولت نخواهیم کار ما بجایی رسیده است که حتی برای

خواهید هم می گوئیم دولت باید معلم بیاورد پس باین ترتیب مقتضی است این مالیات کتیرا را دولت بگیرد اما مسئله دیگر که آقای مغربو بیان کردند و این جا صحبت شد که فلان کوه می روند و کتیرا را تیغ می زنند پس نباید بر آن ها تعمیلی باشد این مالیات را که دولت می گیرد از ارباب می گیرد برای اینکه ارباب می گویند چون فلان کوه از من است و حق انحصار آن با من است یا با نصد تومان بمن بدهد و برو تیغ بزنی با منی گذارم کار بکنی پس شما اگر این مالیات را موقوف کنید با ارباب هم راهی کرده اید نه بش رعیت حالا که این مطالب اینجا اظهار شد ناچارم عرض کنم که برای گذرانیدن مخارج مملکتی بنده بهتر می دانم مالیات وضع کنیم تا اینکه فرض بکنیم خوب وقتی بنا باشد از راه حق الصبور نکیریم از کتیرا مالیات نکیریم پس مخارج مملکت را چه کنیم ؟ قشون، عدلیه، نظریه، همه پول می خواهند در اینصورت چه باید کرد

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا .

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - اولاً خاطر آقایان را متذکر می کنم یکی از حقوق حقو ثابت مجلس شورایی مسئله مالیات است و از وظائف مختصر مجلس است و باید در هر نوع جمع و خرج نظارت داشته باشد و يك چیزی است که اگر چند جلسه هم فرضاً در آن صحبت کنیم و معطل شویم ضرر نکرده ایم بلکه بهترین وظائف خودتان عمل کرده ایم و خیلی از چیزهای دیگر که چند مجلسی وقت صرف آن می کنیم حشرو زائد است حالا سه مطلب است که باید عرض کنم اولاً خاطر آقایان مسبوق است مجلس اول برای تعدیل جمع و خرج معتقد باین شد که باید تعدیل مخارج کنیم و در نتیجه دو سه کرور از مخارج را کسر کرد در صورتی که هیچ مالیاتی را بغایت نداریم وضع کرده باشد در مجلس دوم آمدیم و بنابراین فلسفه آقای آقا سید یعقوب بیان کردند چون مالیات کم داشتیم مالیات نمک را وضع کردیم و بعد از اینکه مدت ها گذشت و اسباب زحمت مردم شد و سالی مبالغی از مردم گرفته شد و بالاخره بین رفت

آنها لو کردیم مالیات تریاک را گذاشتند در صورتی که چیزی عاید دولت شد در این ۱۲ سال هم از عده تریاک کش ها کسر نشده بلکه بر عده آنها هم افزود شده است همینطور مالیات نوافل که در دوره دوم برای چراغ شهر و مخارج بلدی وضع شد آن مالیات از مردم گرفته شد در صورتی که تا کنون چراغ هم آنطور بیکه باید روشن نشده ما باید روی هرفته تجربیات گذشته را آنچه عبرت دانسته و بدانیم که بدانیم

تقلیل مخارج کرد نه این که همه روزه وضع مالیات بکنیم همینطور مالیات مستلات و دخانیات را گذاریم در صورتی که آن بیایه را که باید بریم نبریم اول باید فهمید که جمع و خرج مملکت شد تا چه حد می توانیم مخارج غیر ضروری را کسر کنیم بعد هر وقت بجایی رسیدیم که تعدیل نشد و مجبور وضع مالیات شویم بنده هم موافقت خواهم کرد اما مسئله موقوف باین است که امر دایر شود مبنی بر اینکه مالیات وضع کنیم یا فرض کنیم آن وقت البته باید مالیات وضع کنیم آنهم بطور تحقیق معین شوند نه اینکه منتهی تصور باشد زیرا گمان نمی کنم همین قدر که بعضی از آقایان تصور نکند مؤثر باشد اما اینکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند ما برخلاف مالیات گذار هستیم غیر اینطور نیست این مسئله از اول دنیا يك ترتیبی داشته یکمده زحمت می - کشیده اند یکمده دیگر مالیات می داده اند یکمده کم و یکمده زیاد مثل کوه توت یک حد نصایب داشته باشد اولاً باید فکر کرد کسی که کتیرا را استخراج می کند چه قدر نفع می بردی چه قدر از مخارجش زیاد می آید که از مازاد او برای مخارج مملکت بدهد متصدیان کتیرا زارع و فلاح نیستند کسانی که اندک کاری در این مملکت داشته باشند ابدأ در بی گرفتن کتیرا نمیروند زیرا برای آنها نفعی ندارد بهترین دلیل این است که از خاک طبع صدر سرخ راهی آید و در نقاط شمالی خراسان رفته با هزاران زحمت وقت خود را در کوهها بهدرمی کنند و یا تجل هزاران آفات و زحماتی که دارد بالاخره دوسیر کتیرا بشهر می آورند تازه یکم شش قران بفروش میرسانند و دولتشاهی عاید اومی شود و فقط مدت دوام از کتیرا می تواند استفاده کند آن وقت يك سال باید خرج کند اینها را باید با اصطلاح اهالی خراسان آفتاب نشین می گویند یعنی آنها می گویند دار نه که گاو بندگی نه مزرعه نه صنعت و فقط میروند در کوه ها و مدت دو ماه زحمت می کنند و شاید ۱۰ یا ۲۰ تومان تحصیل می کنند و باین تقلیل مبلغ در ظرف سال باید خود و هائله ایشان گذران نماید پس در واقع اینها جزه هیزم مملکت هستند و اگر بگوییم مالیات بدهند مثل این است که بگوییم دولت باید از اینها قرا که در دارالسا کین هستند و از اطفال فقیر مالیات بگیرد خیر آقا اینطور نیست ما باید ببینیم اگر چیزی از قوت لایق ایشان باقی ماند و زیادتر است همینطور بسنجیم و بالا برویم تا به تحمل برسیم آن وقت مالیات وضع کنیم اما آنکه آقای آقا سید یعقوب می فرمایند يك مالیاتی وضع شده بود و حالا دولت می خواهد کم کند و صدی را صدیست بکند اینطور نیست اگر متصور زمان مشروطیت است که در زمان مشروطیت هنوز مجلس این مالیات

را تصویب نکرد و اگر مقصود دوره استبداد است در زمان استبداد هم از کثیرا مالیات گرفته نشده خوب است اشخاصی که گرفته اند یاداد اند بیابند بگویند بایک سندی باشد که مفهوم معلوم شود در زمان استبداد هم از کثیرا مالیات می گرفتند در صورتی که بنده حتم دارم اینطور نیست و اما اینکه می فرمایند صدسی بوده و حالا دولت کم کرده و صد بیست کم نموده خیلی غریب است این مثل این است که یک کسی را سابقاً صد چوب بدون دلیل می زدند و حالا بمجلس بیست چهار چوب هفتاد چوب بزاند چویران چوب بزاند اصلاً مخالف با امرم و عقیده ما هست بالاخره این مالیات یک ظلم فاحشی است و بر فرض اینکه بوجه جمع و خرج که امیدواریم انشاء الله تعدیل شود اگر کم تبدیل نشد و بنام مالیات وضع کنیم اینگونه مالیاتها در درجه هفدهم و بیستم است و خیلی چیزهای دیگر هست که مقدم بر این است و چون مخصوصاً می دانم احساسات آقایان نمایندگان محترم قبل از آنکه از جمع و خرج مملکت اطلاع حاصل کنند بر این است که این مالیات را رد کنند این است که داخل در جزئیات نمی شوم و اگر بازمحتاج شد بقیه عرایض خود را عرض می کنم

نایب رئیس - مذاکرات کافی است. بعضی گفتند کافی است برخی گفتند کافی نیست.

نایب زبیر - رأی می گیریم آقایان این که مذاکره در کلیات کافی می دانند قیام فرمایند.

عده قیام نمودند

نایب رئیس - کافی نیست آقایان

فتح الدوله موافقت.

نایب رئیس - خیر مخالف.

نایب رئیس - آقای زنجانی موافقت یا مخالف؟

آقا شیخ ابراهیم - بنده یک توضیحاتی می خواهم اگر جواب آن توضیحات داده شد موافقت.

نایب رئیس - بفرمایند.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - عرض می کنم اولاً خواهش می کنم در مذاکرات مطالب خارج را وارد ننمایند و موافق و مخالف در روی مطلب اقامه دلیل بکنند آقایان نمی فرمایند خوب نیست مالیات برکتی را وضع کنیم.

اساساً مالیات عبارت از این است که اهالی مملکت از عایدات خودشان هر کس از هر چیزی که عایدی تخصیص می کند یک قسمتی را باید بدولت بدهد که برای مصارف مملکتی خرج شود اساس مطلب این است آن روز هم عرض کردم بعد از این هم اگر لازم شد باز توضیح می دهم که یک قسم از دست رنج خود را بدولت می دهم یا

زراعت می کنم یا کار دیگر می کنم و مالیات می دهم از برای امنیت خودم است یکی فایده از جنگل می برد یکی از گوسفند قابله می برد همه باید از عایدی خود مالیات بدهند و اما راجع بکثیرا خود بنده دیده ام کثیرا از کوهها استخراج می شود آن کوهها گون دارد و در کوههای بزرگ زیاد تراست کوهها هم دو قسم است یکی کوههای دولتی است و یکی کوههای است که در ملک بعضی اشخاص واقع شود و بعضی هم بی صاحب است و آن چه بنده دیده ام آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج کند و فایده به برد میاید از آن دهات اطراف صدف را بدو بیست نفر سیصد نفر عمله می گیرند و بآنها مزد می دهد و می برد بکوه و آنجا بیخ گون را سوراخ می کنند و سرش را آتش می زنند و می سوزانند و کثیرا از آن سوراخ بیرون میاید و آن کسی که او را استخراج می کند کثیرا را جمع می کند و صاحبش می دهد و آن شخص بتاجر می فروشد یا بمصرف دیگر می رساند وقتی دو این از منته خیره از خارج می آیند و عمله می گیرند کثیرا جمع ...

این کوه علف دارد که حیوانات می چرند درخت دارد که زغال می گیرند گون دارد که کثیرا می گیرند و هر کس یک نحوی از این کوه استفاده می کند و دولت از کسانی که حیوانات می چرانند حق تعلیف می گیرند و از کسانی که از درخت ها استفاده می کنند و زغال می گیرند یک حق می گیرند پس هر شخصی که مالک است و استفاده می کند باید از عایدات خودش بدولت یک حقوق بدهد حالا کسی که کثیرا می گیرند و می خواهد بخارجه یا بتاجر بفروشد آیا از سایر مردم مستثنی است؟

نمی دانم بلی اگر از عایدات خودش مالیات می دهد و در موقع خروج از سرحد هم بخواهند گمرک از او بگیرند بنده هیچ جا نمی دانم و اصلاً مستقیم چیزی که از مملکت خارج می شوم نباید باو گمرک وضع شود ولی مالیات غیر از آن است زیرا هر کس یک کسی دارد و یک چیزی به دولت می دهد یکی معدن استخراج می کند یکی از جنگل استفاده می کند یکی کار دیگر می کند همه بدولت یک حقی می دهند حالا یا کم یا زیاد کاری بآن ندارد این کثیرا هم همانطور است و فرقی ندارد (بعضی از نمایندگان چرا خیلی فرق دارد)

آقا سید ابراهیم - بنده موافق هستم که از کثیرا هم مثل سایر استفاده هائی که می شود مالیات گرفته شود فرق نمی کند چون این هم یک نوع استفاده است ولی اگر این عایدی بعنوان گمرک

باشد کاملاً مخالف ولی گمان نمی کنم گمرک باشد بملاوه در سابق هم یعنی در زمان استبداد مأمورین دولت چیزی می گرفتند منتهی غیر مرتب تر بود و باز تکرار می کنم اگر عنوان مالیات است موافقت و اگر عنوان گمرک است مخالف و نباید از هیچ یک از صادرات مملکت گمرک اخذ شود حالا اگر بعضی می فرمایند این کثیرا گرفتن با سایر استفاده ها فوق دارد نباید هیچ اخذ شود آن هم بیکمطبی است و اما این که در راپرت ذکر شده که قلیا و نقره چون کم است او را حذف کرده اند قائل شده اند که از آن مالیات گرفته نشود اشتباه است و اگر بآنجا برسیم عرض خواهم کرد که کم بودن دلیل نیست که مالیات ندهند هاشمی باشد هاشمی باشد چه فرق می کند مالیات است باید بدهند منتهی بمقدار عایدی زیاد و کم می شود چه کثیرا باشد چه نقره چه تریاک هیچ فرق ندارد و این که بعضی از آقایان می فرمایند کثیرا با سایر چیزها فرق دارد بنده خیلی تعجب می کنم خوب است آقایان فوق او را بگیرند تا بنده هم بدانم.

نایب رئیس آقای رئیسالتجار (اجازه) **رئیسالتجار** اگر چه آقایان مخالفین دلالی که لازم بود عرض کردند بنده هم هر چه عرض کنم باز مکررات است ولی بنده از آخر شروع می کنم آقای زنجانی فرمودند باید مالیات بر عایدات بسته شود همه باید مالیات بدهد تصور می کنم تا یکدرجه این طور نیست یک رعیتی که روزی سه قران عایدی دارد و با کمال سختی و شدت بآن زندگانی می کنند بامن که روزی صد تومان عایدی دارم و سی تومان بیشتر خرج نمی کنم بهر دومی شود بیک نسبت مالیات بست (بعضی گفتند صحیح است) و این که می فرمایند در اراضی خالصه و املاک شخصی کثیرا می گیرند در خراسان آنچه بنده دیده ام از اراضی ملکی نیست شاهزاده محمد هاشم میرزاهم حاضرند و می دانند یکمده هستند که از ولایات دور دست می آیند چون گذران ندارند و فوت لایموشان منحصر است باینکه برونند و کوهها با زحمت زیاد کثیرا تحصیل کنند و این کار منحصر بآنهاست بلی بعضی کوهها بر حسب معمول مرتع میشود بنده خودم هم خیلی دارم ولی هیچوقت معترض اشخاصی که آمده اند از آنجا کثیرا گرفته اند نشده و حقوق هم نگرفته ام و بنده متکرم که از این حاصل مالیات گرفته شود یا مالکین از راهای حقی بگیرند

این که زراعت آبی نیست کوه است و حاصلی برای مالک ندارد که قائل بشوم حق بگیرند و اما این که گفته می شود

مالیات از تاجر گرفته می شود اشتباه است تاجر بهیچوقت مالیات نمی دهد بنده یک مالی را خریدم میبرم می فروشم اگر از رعیت بیچاره مالیات گرفته باشند مالیات تحویل برآورده و اگر هم از تاجر مطالبه کنند تاجر متاع خود را گرانتر می فروشد و برای او فرقی نمی کند فرقی که دارد اگر بگویند تضیق به مالالتجاره مملکت میشود و هر چه از این تضیقات بشود از صادرات مملکت کم می شود مالالتجاره کثیرا خوب مالالتجاره است اما آنطور که باید در ایران آزاد استفاده کلی ببرند نمی برند بنده بعقیده بنده عملیات مأمورین دولت آنها را از زندگی بیزار کرده است همان رعیتی که با روزی یازده شاهی و یک قران با هاله خود گذران می کند اگر مالیات برای او وضع کنیم همین که زیاد باو تضیق شد از کار دست می کشد و میرود در ولایات خارجه مشغول عملکی می شود و اگر یک قدری بیشتر برای این رعیت اسباب راحت و آسایش فراهم کنیم که صدقه باو وارد نیاید تصور می کنم پنج شش برابر امروزه کثیرا گرفته شود

در خراسان تصور می کنم پنج یک آنچه باید کثیرا گرفته شود نمی شود برای چه؟ برای همین تضیقاتی است که بآنها میشود اگر شما هر سال حساب کنید می بینید سالی ده هزار رعیت ایران بواسطه سختی همیشه از سرحد خارج شده که در راه آهن ها یا بنادر خارجه مشغول عملکی و حمالی می شوند چون در آنجا کسی نیست بآنها مالیات تحویل بکنند یک کوهی است در خراسان که حضرت والا هم می دانند اسم او شاه جهانی است که خیلی سرد است و در مرغ تابستان هم از شدت سرما زیست کردن در آنها برای مامکین نیست آن رعیت بیچاره در موقع تابستان با زحمت هر چه تمامتر که انسان از مشاهده او رقت می کند باید برای روزی یازده شاهی این هم زحمت و مرارت بکشد آیا این که گفته شد در بعضی جاها یک نفر میرود و مصیبت راجع می کند و میبورد کثیرا می گیرد و جهش این است که رعیت بدبخت پول ندارد اول مالیات بدهد باید روزی سی شاهی پول بگیرد خرج کند آنوقت آنها یک نفر که پیدا میشود که نسبتاً قدری داراست و میتواند یکدفعه ده تومان مالیات بدهد چند نفر از آنها را جمع میکند و مزدمیده کثیرا می گیرند بتاجرین بنده تصور می کنم نه تنها نباید بکثیرا مالیات بست و باید موقوف کرد بلکه باید در اراضی هم که آبگیر نیست و زراعت خیز نیست چیزی از بابات کثیرا اخذ شود راست است که آنجا هم مرتع است و گوسفند هم میرود در آنجا چرد اما بعقیده بنده چیزی که از بابت کثیرا گرفته می شود

مشروعی است و نباید از این رعیت بدبخت حقوق مالکیت دریافت شود
نایب رئیس آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی موافقت؟
آقا سید محمد تقی - خیر مخالفم
نایب رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی مخالفید؟
عماد السلطنه - خیر موافقت
نایب رئیس - بفرمائید
عماد السلطنه - بنده تصور میکنم در اصل موضوع جزئی اشتباهی شد تا است این که آقایان میفرمایند بر صادرات مملکت نباید مالیات تحویل شود بنده هم شاید موافق باشم ولی این مسئله جزو مالیات مملکتی است و باید مالیات گرفته شود و اگر بخوایم باین اصل قائل شویم که چون جزء صادرات مملکتی است و نباید چیزی اخذ شود باید مالیات ارضی را هم نگیریم چون هو و گندم هم الان از مملکت خارج می شود پس باید مالیات او را هم موقوف کرد چون جزء صادرات است؟ و حال آنکه این طور نیست پس این اعتراضات وارد نیست و معمولاً باید یک عایداتی از برای تنظیم و ترتیب اداره قشون که شرحش راهمه می دانند بدولت داده شود ولی اساساً بنده این مبلغ را که معین کرده اند زیاد می دانم وقتی که داخل در مواد شدیم عرض خواهم کرد اما با گرفتن این مالیات موافقت
نایب رئیس - آقای سیدالملک موافقت یا مخالف؟
سیدالملک - مخالفم
نایب رئیس - بفرمائید
سیدالملک - اساساً با تحویل بر کلیه صادرات مخالفم علاوه بر این همان طوری که آقای ارباب فرمودند باید فهمید که این مالیات در مقابل چه ضرورت و احتیاجی وضع می شود آقای عماد السلطنه فرمودند مالیات از چی است
عرض می کنم خیر مالیات ارضی باو اطلاق نمی شود و بعد از آنکه ما فهمیدیم در مقابل چه احتیاجی وضع می شود آن وقت باو اطلاق مالیات میکنیم تا آنجا باید از این راه چه عاید دولت می شود زیرا هر مالیتی که در این مملکت وضع شود بقدری در مقابلش مغایر وضع شود که اصل مالیات از بین رفته و یک شاهی بعیب دولت نمی رود مثلاً یکی از مالیاتها مالیات تعدیل تریاک است که اگر درست اداره بشود سالی چندین کرور عاید دولت می شود در صورتی که نصف او هم حالا بدولت عاید نمی شود ملاحظه بفرمائید در بخونورد و خراسان و اصفهان اهالی گرفتار چه فشارهایی هستند پس باید در وضع هر مالیاتی خیلی فکر و تامل کرد که عاید دولت چینی شود و قطعاً مقصود اضافه کردن

چند صدلی و میز نباشد آقای آقا سید یعقوب هروقت بی زحمت با صدقه می فرمایند فوراً در مقابل وضع مالیات قشون نیرو مند را یک سیری در مقابل مقرر داده و جمله می کنند بنده مخالف انتظام ملک نیستم یا اینکه می فرمایند در موقع معارف چه فریادها می زنند البته برای معارف فریاد می کنم اگر همین مالیات هم برای معارف باشد و بنده بدانم برای معارف خرج می شود باز تصویب می کنم ولی مالیاتیکه ندانم برای چه گرفته می شود و بدولت چه می رسد مخالفت میکنم و قبول نخواهم کرد

نایب رئیس - آقای فتح الدوله موافقت یا مخالفید؟

فتح الدوله - بلی

نایب رئیس - آقای حاج امینالتجار چه طور؟

حاج امینالتجار - بنده هم مخالفم.

نایب رئیس - آقای کازرونی؟

آقا میرزا علی کازرونی - مخالفم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب هم مخالفید؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی

نایب رئیس - حاجی شیخ اسدالله چه طور؟

حاج شیخ اسدالله - موافقت
نایب رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده قصد

نداشتم در این موضوع هر ایشی بکنم ولی صحبتها و مذاکراتی که می شود اظهاراتی که از طرف آقایان بروز میکنند انسان مجبور می شود در مقابل آن اظهارات جواب بدهد بلی یکقسمت از مخالفتها این بود که نباید بصادرات مملکت مالیات بست تا تجارت مملکت ترویج پیدا کند این چیزها صحیح است اما بکلی منکر شدن مالیات و گمرک هر صادرات را بنده تصور میکنم در هیچ جای دنیا معمول نباشد بلی مالیات و گمرک بر صادرات تازه مانع و مانع و مانع تجارت باشد و به تجارت لطمه بزند نباید باشد ولی در صورتیکه به تجارت صدمه وارد نکند البته باید نسبت بصادرات مملکت به مالیات بست و در صورتیکه در بازار دنیا متاع ما مشتری داشته باشد و بقیه متاع ما باو بفروش برسد عقیقه بنده این است ما آن درجه که میتوانیم متاع خود را در خارجه بفروش برسانیم بهمان میاها هم باید مالیات او را زیاد کنیم زیرا این تحویل بخارجه می شود و گمرک واردات برداخله تحویل می شود.

واه ۱۱۴
واه ۱۱۵

حاج شیخ اسدالله - واہ واہ

نواہ واہ اشتباه نشود منتهی قیمت آنتامع در بازارهای داخله و خارجه بهمان تحویلات گرانتر می شود باز هم عرض می کنم تا زمانی که در بازارهای دنیا متاع ما بفروش می رسد باید تا آن اندازه با مالیات وضع کنیم ولی وقتیکه جلو تجارت را گرفت باید آنرا برداشت و دیوار را شکست و تجارت را آزاد کرد دیگر این حرارتها لازم نیست اگر چه آقای مخبر توضیحی دادند و چیزی نفرمودند ولی خوب بودی - فرمودند صادرات کثیرا مملکت با اینکه صدسی گرفته میشود و سالی هفتصد هشتصد هزار تومان خارج شده در سابق چقدر بوده و آیا این صدسی را که می گرفته اند نکندی به تجارت وارد کرده و قبل از جنگ یک میلیون یا زیادتر بوده حالا کم شده است یا خیر؟ ما که نمیتوانیم بلی اگر می دانند این مالیات نکندی به تجارت وارد آورده باید جلوی او را گرفت تا بر حلقه اولی خودش برسد آنوقت مجدداً مالیات بگذارند و اگر خرید در سابق تجارتش کم بوده و فرضاً یک کرور صادر می شده و حالا که صدسی دریافت می کنند هفتصد هشتصد هزار تومان شده آن وقت باید این مالیات باقی باشد و هدر موجهی نداریم فعلاً اینکه میفرمایند فلان فقیر و بدبخت در کوههای سخت روزی یک قران می گیرد و با سرانگشت خود کثیرا می گیرد باید ترحمی بحال آنها کرد باین احساسات ضعیف نوازی که همه ما نسبت به فقر داریم مثل این میماند که خارج از این محیط هستیم و از وضع گرفتن کثیرا خبر نداشته باشیم این بیچاره که آقای رئیسالتجار میفرمایند روزی یک قران مزد می گیرد چه بکند این ایراد بر تاجر وارد است که مزد عمله را کم می دهد.

رئیسالتجار - این طور عرض نکردم.

حاج شیخ اسدالله - عرض می کنم وضع کثیرا گرفتن این طور نیست که فرمودید وضع کنه در همه جا این طور است که از گون می گیرند و گون هم در کوهها و مراتع واقع شده است که با مالک عمده دارد یا خورده مالک.

رئیسالتجار - بایب مالک

حاج شیخ اسدالله - حالای مالک

را بگذارید بماند و یک قسم راجع بدولت است آنهایکه مالک دارد آنکسی که می خواهد کثیرا استخراج بکند میرود به صاحبان ملک یک پولی می دهد و اجازه می کند و طریقه گرفتن کثیرا هم دو قسم است یکی اینطور است که سر کون را آتش می زنند و این ترتیب بداست و سالها طول می کشد تا دوباره ریشه نمو کند از اینجاست مالکین که علاقه بملک خودشان دارند می گویند فقط حق تیغ زدن داری ولی آتش

شیره او خارج می شود بالاخره آن شخص سرمایه دار آن بیچاره کارگرا میرد آنجا از صبح تا شام باید آنجا کار بکند و روزی دو قران سه قران باو می دهد که آن بیچاره باید با مبلغ جزئی مبلغ خرج خود وزن و بیچارش را بگذراند و حالا اینکه آقایان تصور میفرمایند این مالیات که گرفته می شود بآن بیچاره ضرری وارد نیاید این طور نیست خیر آقا این بیچاره ضررنمی کند و فایده و نفع او را آن تاجر سرمایه دار یا مالک میرد چرا باید خلط بحث شود و موضوع بهم مغلول شود و حقیقت گفته نشود و بنام فقر و بیچارگان نسبت به یک مالیاتی که میخواهیم وضع کنیم این طور مذاکرات بکنیم حالا اگر آقایان مخالفند این مالیات وضع شود وضع نکنند ولی بیچاره عملها بدنام نکنند آن بیچاره از صبح تا شام در آفتاب هرق میریزد دو قران مزد می گیرد ولی نفع او را سرمایه دار و تاجر میرد این بود اصل مطلب در سابق قبل از آنکه این مالیات وضع شود همانطور که عرض کردم مالک ملک یک حقی می گرفت و دولتی می گرفته ولی در این اواخر که گفتند کلیه مال دولت است و باید حقی را که بمالک می دادند بدولت بدهند حالا مالک هم دولت و اگر مالک نکند فقط دولت **رئیسالتجار** - در خراسان کسی نمی گیرد.

حاج شیخ اسدالله - هر وقت فرمایند امتان تمام شد اجازه بدهید عرض کنم بلی اگر اینطور باشد که مالک ملک حق نداشته باشد جلوگیری بکند و آن کسی که عامل اینکار است آزادانه بتواند بیاید استخراج کند خیلی خوشوقت می شوم ولی چون مایوس هستم و مالکین خواهند گفت که من این گون را به شتر و قاطر خود می دهم و از این جهت حق خودم را باید بگیرم ناچار این تحویلات از آنهاست در هر صورت بسته بنظر آقایان است و عرض می کنم فرق نمی کند بتاجر می گیرد یا بقل آقا رعیت با انگشتهای خودش زحمت می کشد و کثیرا می گیرد در حال اگر لطمه بتجارت نراند همین ندارد این مالیات گرفته شود و اگر لطمه بتجارت زد و جلوی تجارت را گرفت باید آزاد گذاشت تا در بازار دنیا بفروش برسد و اگر بفروش رفت و ترقی کرد صد چهل هم بگیرد بلکه می گویم صد صد هم ضرری ندارد ولی باز تکرار می کنم اگر ضرر برساند و بفروش نرسد باید بکلی آزاد و بلا مانع باشد این بود عرایض بنده

فهمیم الملک (مخبر کمیسیون) - در جواب توضیحات آقای حاج شیخ اسدالله عرض می کنم تا قبل از سنه ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴

نپاید بزنی مثل خشخاش که تیغ میزنند و

عوارضی بر کتیرا وضع نشده بود ولی میزان صادراتش خیلی زیاد بود قبل از جنگ از یک ملیون هم تجاوز می کرد ولی بواسطه جنگ کم شده و چون اغلب کتیرا از نقاط کردستان استخراج می شود و آنجا هم در تحت اشغال قوای نظامی بود و نمی شد کسی برود کتیرا استخراج کند کم کم رو به تنزل گذاشت و کتیرا هم چیزی نیست که دو سال سه سال بماند زود خراب می شود و این بود که خیلی تنزل کرد ولی از سال قوی تیل زیاد شد تا از سال تخافوی تیل زیاد شد تا در سال نجا - قوی تیل که صادراتش به هفتصد و چهل و یک هزار تومان رسید ولی ما بین سه تا تخافوی - تیل و سنه ۱۹۱۳ قبل از جنگ معلوم می شود چقدر بوده ولی تحقیقاً میزان صادراتش قبل از جنگ متجاوز از یک ملیون بوده است و در موقع جنگ خیلی خیلی کم شده

نایب رئیس - آقای مستشار السلطنه

مستشار السلطنه - بلی با آقای حاج شیخ اسدالله مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - آقای حاج شیخ اسدالله بالینکه اهل علم و منطق هستند در این قضیه تأمل نکردند نه اینکه ملاحظه نفرمودند بلکه اعتراض هم به آقای رئیس التجار و سایر مطلعین این قضیه فرمودند و این مسئله چون راجع به تجارت است و اگر با هلاک رجوع کنیم بهتر است خوب است آقایانی که در مسائل تجاری صرف وقت نکرده اند با آقایانی که از امر تجارت مسبق هستند مراجعه بفرمایند حالاً در قضیه کتیرا در موضوع فقیر و رهیت و رنجبر نمی خواهم داخل شویم ولی این اصل را متذکر می شوم که یک رشته مهم از صادرات مملکت ما کتیرا و انقوزه و قلیاب است آقایانی که مخالفند با عوارض اینمناجچه می گویند می گوید اگر کتیرا یک من پنجقران بفرنگ برود بهتر بفروش می رود یا یکمن یکتومان؟ البته هر چه جنس ارزان تر بیازار اروپا برود نه اروپا هر جای دنیا زود تر و زیاد تر بفروش برسد می فرمایند باید مالیات از عوائد مملکت هر هایدی که باشد برای مخارج مملکت باید اخذ شود آقایان مخالفین در عین اینکه با وضع این مالیات مخالفند مخالفتی با این موضوع بخصوص ندارند که مخارج مملکت را باید اهالی بدهند ولی خوب است قدری بحشو زوائد بپردازیم و یک اصل کلی را مراعات کنیم و آن این است که صادرات مملکت باید از عوارض مصون باشد حالا ضرر بر تاجر متوجه است با برهیت یا بمالک یا بهیچ کدام اینها تمام فرغ است و اگر بخوایم صادرات ما هم اگر یک کرور است دو کرور بشود با دو کرور است سه کرور بشود نمی شود مگر اینکه وسائل آزادی تجارت را فراهم کنیم

و موجبات سهولت او را فراهم نمایم مثلاً اگر رعیت یکمن یا پنجمن کتیرا آورد و بتاجر فروخت و در سرحد عوارض از او اخذ نشد و معطل نشد البته صادراتش کم کم زیاد می شود و زود تر بفروش میرسد تا هر چه گران تر بکنند عوارض باو ببندند البته این را نمی شود با هیچ منطقی ثابت کرد هر چه گران تر شود و عوارض او سنگین تر بشود زود تر بفروش می رسد آقای حاج شیخ اسدالله می فرمایند که آیا در اواخر زیاد تر بفروش رفته است یا قبل از جنگ و از آقای مخبر توضیح خواستند این طبیعی است قبل از جنگ صادرات کتیرا قریب سه کرور تومان بود و حالا باین مقدار رسیده است و همانطور که آقای ارباب فرمودند معاوض اینکه کتیرا که یکی از صادرات مهم مملکت است و وسائل ترقی او را فراهم کنیم ما فکرمی کنیم مخصوصاً یک وسیله مشکلی برای او فراهم کنیم این قضیه را نیز نباید فراموش کرد که جنگ بین المللی استاتیک تجارتی را در هم و بر هم کرده است و استاتیک جنگ بین المللی را نباید در نظر داشت ولی قبل از جنگ تاکنون صادرات کتیرا تفاوت محیر العقولی پیدا کرده تقریباً نصف شده و اگر علاقه مند بصادرات هستیم باید این نکته را بدانیم که اگر باین عوارض کتا امروز اهمیت داده نشده اهمیت داده شود این ششصد هفتصد هزار تومان هم بکلی از بین خواهد رفت و یک همچو تجارت مهم مملکت را نباید توی شرش زد و کوچکش کرده و بعلاوه همانطور که یکی از آقایان فرمودند واقفاً این مال التجاره را بتاجر و رعایا بر حسب شوق و میل خودشان بارویا حمل کرده حمل کردند و فروختند دولت بهیچوجه تشویق نکرد در حالی که این حق دولت است که در کوه پاهایها و وسائلی فراهم کند و مبالغی مصرف کند که تهیه کتیرا صحیح شود و مخلوط با خاک شود و اگر اینطور بشود حتماً یک یرده بر خوبی و مشتری او اضافه می شود و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند احساسات فقیر نوازانه آقایان در اینخصوص دارند عرض کنم بلی نقطه نظر آمار و افراد دولت و ملت عاجز نوازی است بلی باید تجارت و تاجر را نوازش کرد و وسائل سهولت تجارت را فراهم کرد و چیزی که صادرات مملکت را زیاد بکند باید تهیه کرد و این فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله را بنده مخالف با اصل مسئله تصور نمی کنم ولی البته با اینکه چیزی از صادرات ما خورده شده مخالف هم با صدی بیست و هم صد نیم و بلکه با هر خرواری یک قران هم مخالفم برای اینکه اسباب زحمت تاجر و بطور تجارت خواهد شد چون بعضی اینکه بمانورین مالیاتی دستور بدهند که آنرا مبلغ مالیات بگیرند اسباب زحمت

کلی تجار و تجارت را فراهم خواهند کرد و این هم سبب تأخیر صدور و دیر فروش رفتن و گرانی او در خارج خواهد شد و بهیچوجه هیچ قسم تمهیل و عوارض بمال التجاره صادره حاضر نیستیم و در خاتمه هم در خصوص قالی که اشاوه فرمودند بنده بکلی مخالف می دانم قضیه قالی را با قضیه کتیرا مخلوط کرد و در مسئله قالی در خارج با آقای ارباب کیخسرو تبادل نظر می کنم (بعضی اظهار نموده مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی باشد رأی می گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - کافی است چهار فقره پیشنهاد رسیده است باید قرائت شود .

(آقای منتصر الملک سه فقره پیشنهادات را بشرح آتی قرائت نمودند)

پیشنهاد می نمایم - چون بقرار تحقیقاتی که شده مالیات کتیرا برای دولت فایده نداشته است . ما امضاء کنندگان عقیده داریم که از کتیرا در محل و در کمزرات دنیاری گرفته نشود .

سیدفاضل کاشانی . حاج میرزا مرتضی کرمانی . غضنفرخان . منتصر الملک . ناظم دفتر . مستشار السلطنه . حاج شیخ . محمد حسن گروسی . میرزا علی کازرونی . صدرالاسلام . وکیل الملک . رکن الملک . معق العلماء . سهام السلطان . نظام الدوله . سید محمد تقی طباطبائی . میرزا ابراهیم قمی . بیان الدوله . امیر ناصر . حاج میرزا تقی خان . نائینی . بیان الملک . رئیس التجار . امین الشریعه . میرزا هاشم آشتیانی . عماد السلطنه طباطبائی . سید کاظم یزدی . محمد هاشم میرزا . مصمص السلطنه . بنده پیشنهاد میکنم بجای لایحه به ماده واحده ذیل رأی داده شده مالیات و عوارضی که تاکنون از مواد کتیرا و انقوزه و قلیاب دریافت میشده است بکلی موقوف و از تاریخ اجرای این قانون هیچگونه مالیات و عوارضی بهر اسم و رسم که باشد نباید مطالبه شود فهمیم الملک . بنده پیشنهاد میکنم در صورتیکه دولت مالیات کتیرا را بگیرد این عبارت بلایه علاوه شود مالکین مراتع هم نظر رعایت مال فقراء از تهیه کنندگان کتیرا چیزی بعنوان مالیات دریافت ندارند منتصر الملک . بنده پیشنهاد میکنم ماده اول و سیم چهارم راپرت کمیسیون قوانین مالیات حذف و ماده دوم که از قرار است بطور ماده واحده تصویب شود ماده واحده - مالیات و عوارضی که تاکنون از مواد کتیرا و انقوزه و قلیاب دریافت می شده است بکلی موقوف و از تاریخ اجرای این قانون در داخله مملکت

بهیچگونه مالیات و عوارض بهر اسم و رسم که باشد چه از مالک چه از عملیات کتیرا آنرا استخراج می نمایند و چه از تجار و معاملین آن نباید مطالبه شود .

عماد السلطنه طباطبائی

نایب رئیس - گمان میکنم پیشنهادات چندین اختلافی بایکدیگر نداشته باشد

محمد هاشم میرزا - خیر آقایان اختلاف دارد پیشنهاد سومی مخالف با اصول مالکیت است .

نایب رئیس - مفاد پیشنهادات این است که بهیچ اسم و رسم از این اجناس چیزی گرفته نشود نه بعنوان کمزرت نه بعنوان مالیات و پیشنهاد سومی مسئله دیگری است که دخلی بلایه ندارد و در پیشنهاد چهارمی هم مذاکره نمیشود آن دو پیشنهاد اولی گمان می کنم یکی باشد و چندین محتاج بتوضیح نباشد آقای کازرانی معذالک می - خواهند توضیح بدهند؟

مخبر - بنده کار را آسان میکنم چون نظریات مجلس تقریباً معلوم شد بنده تقاضا میکنم که این پیشنهادات را اعاده بدهند بکمیسیون و کمیسیون راپرت جدیدی تهیه کرده و بمجلس بدهد .

نایب رئیس - خطاب با آقای ارباب کیخسرو در پیشنهاد فرمایشی دارید .

ارباب کیخسرو - بنده در صورتی با آقای مخبر موافقت خواهم کرد که همین قسم که پیشنهاد شده است گرفتن مالیات موقوف باشد نه اینکه برود بکمیسیون و مدتها در کمیسیون بماند و باز این مالیات گرفته شود .

نایب رئیس - گمان میکنم فرمایشی که فرمودید با فرمایشی که آقای مخبر فرمودند و تقاضای ارجاع کردند مورد نداشته باشد حالاً باید بر گردد بکمیسیون و نظریات کمیسیون معلوم شود .

ارباب کیخسرو - مقصود بنده این بود که بعضی مطالب بعضی کمیسیونها ارجاع شود و بعضی کمیسیونها چاه و بل است که دیگر مطالب از آنجا بر نمی گردد و آنوقت ممکن است آن مقصودی که مطمح نظر اکثریت مجلس است بعمل نیاید و بنده البته می دانم موافق نظام نامه پایه بکمیسیون برود ولی زود هم باید بر گردد .

مخبر - فردا کمیسیون قوانین مالیات جلسه خواهد داشت و برای سه شنبه راپرت آنرا تقدیم میکنم .

نایب رئیس - گمان میکنم دیگر مذاکرات موضوع نداشته باشد چون چیزی در دستور نیست نباید داخل در موضوع پوست بره بشویم .

(بعضی اظهار نمودند وقت گذشته است و ظهر است جلسه را ختم بفرمائید)

نایب رئیس - بسیار خوب جلسه را ختم میکنم دستور جلسه آتی همین لایحه

آقای فهمیم الملک تقاضای ارجاع بکمیسیون کردند و بعد هم لایحه راجع بیوست بره است .

(بعضی ها اظهار نمودند روز جلسه را معین نفرمودید)

نایب رئیس - روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر .

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

مؤتمن الملک

جلسه ۱۰۶

صورت مشروح مجلس عصر

یوم شنبه بیست و هفتم برج جوزا

۱۳۰۱ مطابق بیستم ۱۳۴۰ مجلس

نیم ساعت بهر برباست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

رئیس - صورت مجلس صبح چون هنوز تهیه نشده با صورت مجلس عصر هر دو روز سه شنبه قرائت خواهد شد .

دستور این جلسه هم چون فراموش شده است قبلاً اعلام شود اگر آقایان موافق باشند دو فقره مطلب که از کمیسیون رسیده و حاضر است جز دستور امروز شود . یکی لایحه راجع بطواحق که مدتی است طبع و توزیع شده دیگر لایحه است که از کمیسیون مبتکرات رسیده و راجع بخدم قبول شغل از طرف آقایان نمایندگان می باشد سه فقره راپورت هم است شعبات یکی راجع بنمایند بلوچستان و دو فقره دیگر راجع بنمایندگان تبریز رسیده است قرائت می شود آقای آقا سید یعقوب احضار برای قرائت راپورت

آقای آقا سید یعقوب راپورت کمیسیون تحقیق انتخابات را راجع بنمایند کمیسیون آقای دکتر رفیع خان بمضمون ذیل قرائت نمودند کمیسیون انتخابات آذربایجان در تشکیل راپورت های سابق خود راجع بنمایند کمیسیون رفیع خان در تشکیل راپورت های سابق نماینده معترم تبریز و حوزه های تابعه چنین اظهار عقیده می نماید مطابق مراسله وزارت جلیله خارجه و تلگراف خود آقای دکتر رفیع خان که قبول نمایندگی را نموده اند چون در صلاحیت ایشان ایرادی نبود و جریان انتخابات آنجا همان ترتیبی است که در راپورت های سابق بعرض مجلس رسیده اعضاء کمیسیون با اتفاق نمایندگی ایشان را تصدیق می نمایند .

رئیس - نسبت باین راپورت مخالفی هست یا خیر؟

(اظهاری نشد)

رای می گیریم بنمایند کمیسیون آقای دکتر رفیع خان از تبریز آقایانی که نمایندگی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

راپورت راجع بنمایند کمیسیون آقای ناظم الدوله را نیز آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت نمودند